



با سمه تعالی

حضرت حجت‌الاسلام و‌المسلمین محسنی اژه‌ای رئیس محترم قوه قضاییه

با سلام و احترام

انتساب جناب عالی، از سوی مقام معظم رهبری به عنوان رئیس محترم قوه قضاییه را تبریک گفته و با آرزوی توفیقات روزافرون آنجناب در بقاء و غنای قضای اسلامی مراتب ذیل را در خصوص آیین‌نامه اجرایی لایحة قانونی استقلال مصوب تیر ماه ۱۴۰۰ قوه قضاییه به استحضار عالی رسانده و تقاضای دستور اقدام قانونی عاجل را دارد:

۱. در سال ۱۳۹۸ معاونت محترم حقوقی قوه قضاییه طی نامه شماره ۹۰۰۰/۱۴۹۹۲/۵۰۰ از ۱۳۹۸/۱۱/۳۰ اعلام نمودند که با توجه به ابطال برخی از مواد آیین‌نامه اجرایی لایحة قانونی استقلال کانون و کلای دادگستری توسط دیوان عدالت اداری و ایجاد برخی تغییرات دیگر با صدور آرای وحدت رویه دیوان عالی کشور، قوه قضاییه تصمیم بر اصلاح آیین‌نامه لایحة قانونی استقلال دارد و از کانون‌های و کلا تقاضا نمودند که پیشنهادات اصلاحی خود را در موارد معین شده، ظرف مدت اعلامی، ارسال دارند. در پاسخ اعلام گردید که مرجع تنظیم آیین‌نامه حسب ماده ۲۲ لایحة استقلال، کانون و کلای بوده و این امر قبل‌اً انجام شده و اکنون نیز نیازی به هیچ‌گونه تغییر یا اصلاح وجود ندارد.

۲. با اصرار معاونت محترم حقوقی قوه قضاییه و پس از استماع اظهارات مشارکیه، به منظور همکاری با برنامه‌های مربوط به تحول رئیس محترم قوه قضاییه توافق گردیده: فرایند تکوین و اصلاح آیین‌نامه لایحة قانونی استقلال کانون‌ها مصوب ۱۳۳۴ به این نحو انجام شود که: کانون‌ها حسب ضرورت، موادی از آیین‌نامه را اصلاح و به مرجع تصویب ارسال نمایند، چنانچه قوه محترم قضاییه با اصلاحات موافق بودند عیناً تایید و الا نظرات ارشادی خود جهت اصلاح مجدد را حسب قانون به کانون‌ها اعاده و النهایه متن مورد توافق طرفین، بدون اضافات والحقات، تصویب گردد. مراتب موصوف، در جلسه هماندیشی مقامات عالی قضایی قوه قضاییه و دولت که با حضور معاونت حقوقی قوه، معاونت حقوقی رئیس جمهور، وزیر دادگستری، روسای کانون‌ها، بعضی از معمرین و کلای کشور در اصفهان برگزار گردید ثبت و ضبط و قابل استناد است.



شماره: ۰۰- صادره-۵۵۷

تاریخ: ۱۴۰۰/۰۴/۲۲

پیوست: ۵ارد

تحلید سرسری کانونی وکای اکسٹری ایران

میدان آزادتین، خیابان احمد قصیر (بخارست)

خیابان هقدام، شماره ۲۰، طبقه سوم

کد پستی: ۱۵۱۳۸ ۳۳۸۱۴

تلفن: ۰۲۹۰۰۲۲۸۹ فکس: ۰۲۲۸۷۰۲۲۹۰

با شمه تعالیٰ

۳. بنا بر التزام اخلاقی و قانونی پیش گفته، کانون‌ها اصلاحات مدنظر طرفین را اعمال و متعاقب آن که با اعمال ایرادات و پیشنهادات جدیدی از سوی قوه قضاییه اعاده گردید مجدداً نسبت به تامین نظر قوه ستا آنجا که خلاف قانون و ناقض استقلال کانون‌ها نباشد. اقدام و با تأکید بر وصف، امانت‌بودن متن، اصلاحی جدید مجدداً به شرح پیوست برای معاونت محترم حقوقی قوه ارسال شد.

۴. اخیراً و در هفتة قوه قضاییه، متنی تحت عنوان آیین‌نامه لایحه قانونی استقلال توسط حوزه ریاست قوه قضاییه «اطلاع‌رسانی» شده است که بر خلاف قانون و عهد معهود بوده و با نقض آیه حقوقی‌اخلاقی «اوْفَوا بِالْعُقُود» بیانگر آن است که:

اولاً: برابر قانون عنوان متنی که علی القاعده باید اصلاح آیین‌نامه ... باشد، به آیین‌نامه اجرایی تغییر داده شده است. این امر علاوه بر آن بر خلاف توافقات فی مابین و نقض عهد است، وجاہت و مجوز قانونی نیز ندارد زیرا حکم مقتن مبنی بر تنظیم آیین‌نامه که دلالت بر مره داشته، یک بار توسط مکلف انجام شده و تکرار آن نیاز به اجازه مجدد قانون دارد. با توجه به اینکه یک بار در راستای اعمال ماده ۲۲ لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری، آیین‌نامه توسط مقام تنظیم‌کننده آن، نگارش گردیده و به تائید مقام مصوب رسیده است، لذا تنظیم مجدد آن خلاف آشکار قانون است.

ثانیاً: کارشناسان محترمی که از طرف مقام «تصویب» جهت بررسی پیشنهادات اصلاحی کانون‌ها تعیین شده‌اند بدون توجه به توافقات فی مابین بعض از مواد پیشنهادی مطلوب و مطمح نظر رئیس محترم قوه قضاییه که در جهت فسادزدایی تنظیم شده‌اند، بعض دیگر را به زعم خود اصلاح ولی استحاله کرده‌اند و فایق برآن در بخش ابداعات «رأساً» مبادرت به وضع قواعد و مقرراتی نموده‌اند که یا به‌طور کلی خلاف نص صریح قانون (لایحه) می‌باشند و یا اینکه در لایحه به آنها پرداخته نشده که اختیار و تکلیفی برای وضع آیین‌نامه در آن خصوص برای هیچ‌کس متصور نیست، زیرا مجوزی قانونی در این خصوص وجود ندارد.

۵. رئوس مطالب مهم آیین‌نامه مشتمل بر:

الف. مواد خلاف نص صریح قانون و لایحه قانونی استقلال؛

ب: مواردی که اصولاً جزء پیشنهادات مقام تنظیم نبوده؛

ج. مواردی که پیشنهادات اصلاحی کانون‌ها بلاوجه حذف شده‌اند در ۴ بخش و ۳۲ بند مشروح به ضمیمه این نامه ارسال و من باب تمثیل معروض می‌دارد که در آیین‌نامه موصوف، تعریف مجددی از کانون وکلای

پامه تعالی

دادگستری شده است که صرفنظر از عدم ضرورت به لحاظ وجود تعریف مصرح در متن قانون، ماهیت حقوقی کانون‌ها را تعییر و تنزل داده است و یا اینکه در ماده ۵۲ صلاحیت مأخوذه از قانون برای هیأت‌مدیره، دائز بر تعیین محل اشتغال قضاط و کارشناسان حقوقی بازنیسته که در راستای بندۀای «ب» و «د» ماده ۸ تقاضای پروانه و کالت می‌نمایند، سلب و این اختیار به کمیسیون تعیین ظرفیت موضوع تبصره ذیل ماده یک قانون کیفیت اخذ پروانه تفویض شده است و یا در ماده ۴۸ کمیسیون پنج نفره ای مشکل از (رئیس کانون، رئیس کمیسیون کارآموزی، دادستان کانون، رئیس کل دادگستری و رئیس دادگاه انقلاب) پیش بینی و به این کمیسیون اجازه داده شده شرایط متقارضیان پروانه و کالت مندرج در ماده ۲ قانون کیفیت اخذ پروانه و کالت را بررسی و اظهارنظر نمایند. با غمض عین از اینکه چگونه میتوان در مقام نوشتن آیین‌نامه لایحه قانونی استقلال مصوب ۱۳۳۳ مبادرت به وضع آیین‌نامه بر یکی از مواد قانون کیفیت اخذ پروانه و کالت مصوب ۱۳۷۶ نمود؟! مفاد این ماده که ارتباط مستقیم با حقوق عامه مردم دارد نیاز به قانون نویسی داشته و منصرف از حدود صلاحیت وضع آیین‌نامه می‌باشد. ایضاً با وجود آن که ماده ۱۷ لایحه قانونی استقلال اشعار می‌دارد؛ از این تاریخ نمی‌توان هیچ وکیلی را از شغل و کالت تعليق یا ممنوع کرد مگر به حکم دادگاه انتظامی، در دو بند ۵ و ۶ از ماده ۱۵۹ آیین‌نامه، حکم مبهم و ناقص جواز عدم تمدید پروانه و کالت به صورت موقت و دائم توسط مقام قضائی پیش بینی شده است که بر خلاف نص صریح قانون بوده و نافی استقلال وکیل می‌باشد!

۶. بر این اساس و از آنجا که تاکید بر رعایت قانون و حفظ حقوق عامه جزء اصولی‌ترین سفارشات مقام معظم رهبری در حکم انتصاب جناب‌الله مورد تاکید قرار گرفته است و اقدام انجام شده به لحاظ، نقض معیارهای اخلاقی و قانونی، تهدید و تجاوز به قانون حقوق عامه محسوب می‌گردد، به پیوست رئوس اهم موادی که خلاف قانون و ناقض استقلال می‌باشد، ارسال و اعلام می‌دارد: چون با وضعیت فعلی آیین‌نامه موصوف به دلایل پیش‌گفته قابلیت اجرا ندارد، درخواست دارد قبل از هر اقدامی با صدور دستور تعليق آیین‌نامه مبحوث‌عنده، در چهارچوب ماده ۲۲ لایحه قانونی استقلال، مقرر فرمایید که متن پیشنهادی کانون‌ها اعاده و توسط کارگروه مربوطه، موارد خلاف قانون، اخلاق و توافق مسبوق بازبینی، اصلاح و مآلًا با تصویب متن نهایی موجبات اجرای هرچه بهتر آیین‌نامه اصلاحی را جهت تامین ابزار دادرسی عادلانه فراهم نمایند.

شماره: ۵۵۷-۰۰

تاریخ: ۱۴۰۰/۰۴/۲۲

دارد

پیوست:



جمهوری اسلامی ایران

میدان آزادی، خیابان احمد قصیر (بخارست)

خیابان هفدهم، شماره ۲۰، طبقه سوم

کد پستی: ۱۵۱۳۸ ۳۳۸۱۴

تلفن: ۰۲۲۸۷۰۲۹۰-۸۸۷۰۲۲۸۹ فکس:

با سعادت

۱- رئیس کانون وکلای دادگستری مرکز

۲- رئیس کانون وکلای دادگستری آذربایجان شرقی

۳- رئیس کانون وکلای دادگستری آذربایجان غربی

۴- رئیس کانون وکلای دادگستری اردبیل

۵- رئیس کانون وکلای دادگستری اصفهان

۶- رئیس کانون وکلای دادگستری البرز

۷- رئیس کانون وکلای دادگستری ایلام

۸- رئیس کانون وکلای دادگستری بوشهر

۹- رئیس کانون وکلای دادگستری چهارمحال و بختیاری

۱۰- رئیس کانون وکلای دادگستری خراسان



جمهوری اسلامی ایران

شماره: ۵۵۲-۰۰ صادره

تاریخ: ۱۴۰۰/۰۴/۲۲

دارد: پیوست:

میدان آزادی، خیابان احمد قصیر (بخارست)

خیابان هفدهم، شماره ۲۰، طبقه سوم

کدپستی: ۱۵۱۳۸ ۳۳۸۱۴

تلفن: ۸۸۷۰۲۲۹۰-۲ فکس: ۸۸۷۰۲۲۸۹

با شهد تعالی

۱۱- رئیس کانون وکلای دادگستری خوزستان

۱۲- رئیس کانون وکلای دادگستری زنجان

۱۳- رئیس کانون وکلای دادگستری فارس و کهگیلویه و بویراحمد

۱۴- رئیس کانون وکلای دادگستری قزوین

۱۵- رئیس کانون وکلای دادگستری قم

۱۶- رئیس کانون وکلای دادگستری کردستان

۱۷- رئیس کانون وکلای دادگستری کرمان

۱۸- رئیس کانون وکلای دادگستری کرمانشاه

۱۹- رئیس کانون وکلای دادگستری گلستان

شماره:
۵۵۲-۰۰- صادره
۱۴۰۰/۰۴/۲۲ تاریخ:
دارد پیوست:



اتحادیه سراسری کانون‌های وکلای دادگستری ایران

میدان آزادی، خیابان احمد قصیر (بخارست)
خیابان هفدهم، شماره ۲۰، طبقه سوم
کدپستی: ۱۵۱۲۸ ۳۳۸۱۴

تلفن: ۰۲-۸۸۷۰۲۲۹۰-۸۸۷۰۲۲۸۹ فکس:

با شمہ تعالیٰ

۲۰- رئیس کانون وکلای دادگستری گیلان

۲۱- رئیس کانون وکلای دادگستری لرستان

۲۲- رئیس کانون وکلای دادگستری مازندران

۲۳- رئیس کانون وکلای دادگستری مرکزی

۲۴- رئیس کانون وکلای دادگستری همدان

۲۵- رئیس کانون وکلای دادگستری یزد

۲۶- رئیس اتحادیه سراسری کانون‌های وکلای دادگستری ایران



با اسمه تعالیٰ

«آیین نامه لایحه استقلال کانون وکلای دادگستری»

الف. آیین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری، در راستای اجرای ماده ۲۲ لایحه قانونی مذکور، یک بار در سال ۱۳۳۴ توسط کانون وکلای دادگستری تنظیم و به تصویب وزیر محترم دادگستری وقت رسید و هیچ موجب قانونی‌ای برای تدوین و تصویب یک آیین نامه تمام عیار دیگر برای این قانون پیش‌بینی نشد. به همین دلیل کانون‌های وکلای دادگستری پس از درخواست‌های مکرر معاونت محترم حقوقی قوه قضائیه «تدوین و تصویب اصلاح آیین نامه مصوب سال ۱۳۳۴» را در دستور کار خود قرار داد و متعاقباً مواد اصلاحی آن را تنظیم و به معاونت مذکور ارائه کرد. اما متأسفانه آنچه به تصویب رسید، برخلاف ماده ۲۲ لایحه قانونی، و همراه با اعمال تغییر در بعضی از مواد و الحق مواردی دیگر، در واقع وضع آیین نامه‌ای جدید و تمام عیار است که قادر مجوز قانونی می‌باشد و وضع دو آیین نامه درمورد کلیات یک قانون هیچ مبنای و محمول قانونی‌ای ندارد.

آیین نامه اجرایی جدید دو ایراد اساسی دارد: اول- باتوجه به یک بار تصویب در سال ۱۳۳۴، وضع و تصویب آیین نامه جدید خلاف ماده ۲۲ لایحه قانونی استقلال است؛ دوم- باتوجه به تفکیک مرجع تنظیم و مرجع تصویب در ماده ۲۲، هرگونه تغییر در اصلاحیه تنظیم شده توسط کانون‌ها، بعد از جلب نظر مرجع تنظیم قبل اعمال است. لازم به ذکر است که در ملاقات رؤسای بعضی از کانون‌های وکلا با ریاست محترم قوه قضائیه در سال ۱۳۹۹ موارد مذکور و لزوم تبعیت از قانون مورد تأکید معظم له قرار گرفت. درنتیجه، تصمیم‌گیری مرجع تصویب برای الحق مواد و اعمال تغییر در مواردی که از سوی مرجع تنظیم ارائه شده، توجیه قانونی ندارد.

ب. ایرادات آیین نامه اجرایی جدید:

بخش اول. در این بخش مواردی مورد نظر است که خارج از اصلاحیه کانون‌ها، به آیین نامه الحق شده و بعضًا مغایر مواد قانونی و ناقص استقلال کانون‌هاست. از جمله:

1. طبق تبصره ۱ ماده ۴ قانون کیفیت ... دادگاه عالی انتظامی قضات «مکلف است ظرف حداقل ۲ ماه» درمورد صلاحیت داوطلبان عضویت در هیأت مدیره اظهار نظر کند. اما در ماده ۱۴ آیین نامه، از ۲ ماه مقرر عدول شده و درنتیجه دادگاه عالی انتظامی قضات می‌تواند پس از انقضای مهلت، رد صلاحیت داوطلبان را اعلام کند. به دلیل مغایرت این امر با تبصره ۱ ماده ۴ قانون کیفیت ... حذف قسمت مذکور از ماده ۱۴ آیین نامه ضروری است.



با اسمه تعالیٰ

۲. در ماده ۱۶ آیین نامه، تعویق انتخابات هیأت مدیره به دلیل شرایط خاص، منوط به موافقت کمیسیون موضوع تبصره ماده ۱ قانون کیفیت ... شده است. در حالی که اولاً - کمیسیون مذکور شرح وظیفه معلومی در قانون دارد و افزایش صلاحیت کمیسیون در آیین نامه موجه نیست. ثانیاً انتخابات هیأت مدیره جزیی از اداره امور کانون و کالت دادگستری است که به موجب ماده ۲ و بند «ب» ماده ۶ لایحه قانونی استقلال، وظیفه ذاتی کانون است. درنتیجه دخالت دادن کمیسیون تبصره ماده ۱ قانون کیفیت ... در اجرای وظیفه ذاتی کانون موضوعیتی ندارد و حذف قید «تأیید کمیسیون» از ماده ۱۶ آیین نامه ضروری است.

۳. در ماده ۴۸ آیین نامه، احرار شرایط موضوع بندهای «الف» و «ب» ماده ۲ قانون کیفیت ... به کمیسیونی مشکل از رئیس کانون، رئیس کمیسیون کارآموزی کانون، دادستان انتظامی کانون، رئیس کل دادگستری استان یا نماینده وی و رئیس دادگاه انقلاب شهرستان مرکز استان یا نماینده او تفویض شده است. تشکیل این کمیسیون به ویژه با حضور دو نماینده از دادگستری، مخالف با بند «الف» ماده ۶ لایحه قانونی استقلال و ماده ۲ قانون کیفیت ... است. زیرا: اولاً - به موجب بند «الف» ماده ۶ صدور پروانه کارآموزی و کلت جزء وظایف ذاتی کانون و کلاست و دخالت اشخاص و مقاماتی خارج از کانون، توجیه قانونی ندارد. ثانیاً - به موجب تبصره ۱ ماده ۲ قانون کیفیت ... احرار شرایط مقرر در ماده ۲ قانون مذکور از وظایف و اختیارات کانون و کلاست که مکلف شده از مراجع ذیصلاح استعلام کند. مراجع مذکور از جمله پزشکی قانونی، اداره تشخیص هویت ناجا، اداره کل سجل کیفری دادسرای عمومی، وزارت اطلاعات و ... باید با بررسی لازم نظر خود و مستندات لازم را برای بررسی و احرار شرایط از سوی کانون و کلاهاره دهنند. ثالثاً - احرار شرایط از جمله وظایف هیأت مدیره کانون و کلاست که در قالب تصمیم به صدور یا رد تقاضای پروانه اعمال می شود. سلب این حق از اعضای هیأت مدیره و تفویض آن به سه نفر در کانون و کلاهاره نیاز به نص صریح قانونی دارد. لذا حذف ماده ۴۸ آیین نامه ضروری است.

۴. در ماده ۵۲ آیین نامه، تعیین محل اشتغال متقداضیان ماده ۸ لایحه قانونی استقلال به کمیسیون تبصره ماده ۱ قانون کیفیت ... سپرده شده است. در حالی که صدور پروانه کارآموزی و کلت وظیفه کانون و کلاست و تعیین محل اشتغال نیز جزیی از مراحل صدور پروانه است، درنتیجه دخالت اعضای کمیسیون مذکور در اموری که جزء وظایف ذاتی کانون و کلاست، موضوعیتی ندارد و از این جهت مخالف با بند «الف» ماده ۶ لایحه قانونی استقلال است. به علاوه شرح وظیفه کمیسیون مورد نظر در قانون تعیین و تعریف شده و اعطای صلاحیت اضافه بر آن نیازمند نص قانونی است. لذا حذف ماده ۵۲ آیین نامه ضروری است.



با اسمه تعالیٰ

۵. در ماده ۶۸ آیین نامه به کلیه مقامات قضایی اجازه داده شده که ارتکاب اعمال خلاف اخلاق و ... توسط کارآموzan یا فقدان شرایط قانونی برای آنها و ... را ضمن اطلاع به دادستان یا رئیس حوزه قضایی، جهت رسیدگی به رئیس کانون اعلام کنند. در حالی که اولاً با وجود مواد ۱۵، ۱۶ و ۱۸ لایحه قانونی استقلال، تکرار مواد مذکور در آیین نامه جایگاهی ندارد. ثانیاً در مواد مورد نظر، مقامات مجاز برای اعلام تخلف وکیل (کارآموزن) به دادسرا یا دادگاه انتظامی کانون و تقاضای رسیدگی، احصا شده‌اند و تعمیم این اجازه به کلیه مقامات قضایی مخالفت صریح با مواد مذکور از لایحه قانونی استقلال دارد. درنتیجه، ضروری است ماده ۶۸ آیین نامه تماماً حذف و یا عبارت «گزارش امر را جهت رسیدگی به رئیس کانون مربوط ارسال می‌کند». از انتهای ماده یادشده حذف شود.

۶. در بند ۳۵ ماده ۷۶ آیین نامه، وکیل از تبلیغ سوء علیه اشخاص و مقامات و اظهار نظر علیه مبانی جمهوری اسلامی ایران و ارتکاب رفتار خلاف شرع در فضای حقیقی و مجازی منع شده است و در بند ۱۰ ماده ۱۲۴ آیین نامه نیز موارد مذکور تخلف اعلام و برای آنها مجازات درجه ۴ تعیین شده است. اولاً قطعاً نظر قوه قضاییه این نیست که اعمال یادشده، فقط در صورت ارتکاب از جانب وکیل ممنوع است. در شرایطی که در قانون مجازات اسلامی و سایر قوانین کیفری، اعمال مذکور جرم تلقی شده و دارای مجازات است، هر مرتكبی تحت تعقیب قرار گرفته و در صورت احراز اتهام به موجب حکم دادگاه تحمل مجازات می‌کند. وکلا نیز از این امر مستثنی نیستند. به علاوه هرگاه وکیلی به جرم ارتکاب یکی از موارد مذکور، محکوم شود، بدیهی است که بر اساس مفاد این آیین نامه، مجازات انتظامی نیز نسبت به وی تعیین و اعمال می‌شود. درنتیجه، نیازی به ذکر این موارد در آیین نامه نیست. ثانیاً دادسرا و دادگاه انتظامی مرجع رسیدگی به اتهامات مذکور نبوده و صرفاً در محدوده تخلفات انتظامی شروع به رسیدگی کرده و رأی صادر می‌کند. ثالثاً در هیچ‌یک از قوانین، آیین نامه‌ها و نظام نامه‌های مشابه، درمورد مشاغل و مناصبی از قبیل قضاؤت، پژوهشی و مهندسی چنین موادی وضع و اعمال نشده است. لذا ضرورت دارد بند ۳۵ ماده ۷۶ و بند ۱۰ ماده ۱۲۴ آیین نامه حذف شود.

۷. در ماده ۷۹ آیین نامه، مصاحبه یا انتشار مطالب متناسب اسناد طبقه‌بندی شده یا انتشار تحقیقات مقدماتی و ... ممنوع اعلام و در بند ۱۴ ماده ۱۲۵ عدم رعایت آن تخلف و تعیین مجازات شده است. با توجه به اینکه اولاً در قانون مجازات اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری، کلیه موارد مذکور برای عموم مردم از جمله وکلا جرم‌انگاری شده، تکرار آن در آیین نامه جایگاهی ندارد. ثانیاً آیین نامه، مربوط به لایحه قانونی استقلال است و آیین نامه قوانین کیفری یا نحوه مجازات محاکومین کیفری نیست. درنتیجه حذف ماده ۷۹ و بند ۱۴ ماده ۱۲۵ آیین نامه ضروری است.



با اسمه تعالیٰ

۸. در بند ۲ ماده ۱۲۴ آیین نامه، عدم رعایت موازین شرعی و قانونی ... در پوشش و رفتار و گفتار در هنگام حضور در مراجع قضایی و ... تخلفانگاری و برای آن مجازات درجه ۴ تعیین شده است. بنا بر مطالب گفته شده در بندهای ۶ و ۷ همین بخش و با توجه به آثار احکام قطعی کیفری در رسیدگی در دادسرا و دادگاه انتظامی حذف بند ۲ ماده ۱۲۴ ضروری است.

۹. در ماده ۱۲۷ آیین نامه، ماده ۵ قانون کیفیت ... تکرار و در انتهای آن اضافه شده که هریک از اعضای هیأت مدیره در زمان تصدی، مرتکب تخلف انتظامی شوند، مجازات آنها یک درجه تشدید می‌شود که در نوع خود بدیع و مایه تعجب است. زیرا در هیچ‌یک از مشاغل و مناصب تصدی، عضویت و صاحب سمت بودن موجب تشدید مجازات نمی‌شود. بلکه بر عکس قانونگذار در بررسی تخلف و جرائم صاحبان مناصب و سمت‌ها، مواردی را پیش‌بینی کرده که نشان از تساهل و تسماح دارد و البته اعضای هیأت مدیره کانون‌ها خواستار برخورداری از تساهل و تسماح نیستند بلکه انتظار دارند در اثر شرایط یکسان با سایر وکلا باشند. لذا حذف ماده ۱۲۷ آیین نامه ضروری است.

۱۰. در ماده ۱۵۸ آیین نامه، نتیجه اظهارنظر و رد صلاحیت داوطلبان عضویت در هیأت مدیره به عضویت در سایر ارکان و کمیسیون‌ها تسری یافته است. در حالی که اولاً در اصلاحیه کانون‌ها، برای عضویت در ارکان و کمیسیون‌های کانون حسب مورد شرط حداقل سن و سابقه وکالت پیش‌بینی شده بود. بدیهی است که شرایط عضویت در ارکان و کمیسیون‌ها، نمی‌تواند یکسان باشد، اما در آیین نامه با نگاه سلبی و محدود کننده، در اغلب موارد، داشتن شرایط عضویت هیأت مدیره به عنوان شرط عضویت در سایر ارکان و کمیسیون‌ها پیش‌بینی شده که صحیح نبوده و ضروری است بر اساس اصلاحیه کانون‌ها حداقل سن و سابقه وکالت جایگزین شود. ثانیاً، عضویت در ارکان و کمیسیون‌های کانون، فعالیت صنفی و اجتماعی است که بدون استثنای رایگان انجام می‌شود. به علاوه این گونه فعالیت‌ها جزء حقوق صنفی محسوب می‌شود و با توجه به اینکه سلب حق استثنایت، محروم کردن افراد از حقوق مذکور و نیز محروم کردن کانون وکلا از فعالیت و خدمت افراد، مبنای قانونی و توجیه منطقی ندارد. ثالثاً، اعضای ارکان و کمیسیون‌های کانون عوامل اجرایی اداره کانون هستند و اداره کانون نیز از وظایف ذاتی هیأت مدیره است. درنتیجه تسری آثار اظهارنظر دادگاه عالی انتظامی قضاط که قانوناً محدود به عضویت در هیأت مدیره است، به سایر موارد فاقد مبنای قانونی است. رابعاً، عدم صلاحیت برای عضویت در هیأت مدیره، ملازمه با عدم صلاحیت برای تصدی سایر امور ندارد. همان‌گونه که اغلب داوطلبان ریاست جمهوری که رد صلاحیت شده‌اند، امکان عضویت در اغلب نهادهای حکومتی از جمله مجلس شورای اسلامی، وزارت و ... را داشته و دارند. لذا حذف ماده ۱۵۸



با سمه تعالی

آیین‌نامه به دلایل مذکور و مغایرت با قانون و نیز مخالفت با اصول حقوق عمومی، حقوق فردی و اجتماعی ضروری است.

۱۱. در ماده ۱۶۱ آیین‌نامه، مقرر شده دستورالعمل‌های مربوط از سوی کانون‌ها تهیه و به تصویب رئیس قوه قضاییه برسد. با توجه به اینکه اولاً، دستورالعمل‌ها در مرود اداره امور کانون و امور وکالت است و به موجب ماده ۲ و بند «ب» ماده ۶ لایحه قانونی استقلال، اداره امور کانون از وظایف ذاتی هیأت‌مدیره است و اگر کانون‌ها نتوانند در این امور اتخاذ تصمیم کنند، «اداره» و «مدیریت» مفهومی نخواهد داشت؛ ثانیاً، دستورالعمل‌ها عمدتاً متغیر بوده و نیازمند به روزرسانی است و کثرت وظایف و مسئولیت‌ها در قوه قضاییه، احتمال تطویل در فرایند تصویب دارد؛ ثالثاً، در لایحه قانونی استقلال صرفاً موضوعات مواد ۱۹ و ۲۲ از سوی دادگستری پیش‌بینی شده، نه بیش از آن؛ لذا ضمن حذف تبصره ماده ۱۶۱، ضرورت دارد پیش‌بینی شود: «دستورالعمل‌ها توسط کانون وکلای دادگستری مرکز تهیه و توسط هیأت‌مدیره کانون‌های وکلا به تصویب برسد.»

بخش دوم. موادی از قانون وکالت، لایحه قانونی استقلال و قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری در آیین‌نامه تکرار شده که مستقل از اینکه چنین تکراری در آیین‌نامه جایگاهی ندارد، در متن مواد قانونی تغییراتی اعمال شده که مغایر مواد مذکور است و در اصلاحیه تنظیم‌شده کانون‌ها نیز مد نظر نبوده است. از جمله:

۱. کانون وکلای دادگستری در ماده ۱ لایحه قانونی استقلال تعریف شده و تعریف مجدد توأم با تحریف آن در ماده ۲ آیین‌نامه که ماهیت کانون وکلای دادگستری مستقل را تغییر داده است، موضوعیتی ندارد. به ویژه اینکه با تغییر ایجاد شده، کانون وکلا از «موسسه‌ای مستقل و دارای شخصیت حقوقی» به «موسسه خصوصی دارای شخصیت حقوقی مستقل» مثل شرکت‌های تجاری بدل شده و در واقع به عنوان یک مؤسسه خصوصی معرفی شده است. لذا به دلایل مذکور، حذف ماده ۲ آیین‌نامه ضروری است.

۲. ماده ۲۹ آیین‌نامه تکرار ماده ۵ لایحه قانونی استقلال بوده و حذف آن ضروری است.

۳. ماده ۴۶ آیین‌نامه تکرار ماده ۷ لایحه قانونی استقلال و ماده ۲ قانون کیفیت ... است. علاوه بر آن تغییراتی مغایر با دو ماده مذکور دارد. از جمله: در بندۀای «ج» و «د» ماده ۸ لایحه قانونی استقلال، مدرک تحصیلی متقاضی پروانه باید لیسانس قضایی یا لیسانس حقوق قضایی و یا گواهی پایان تحصیلات سطوح عالیه از حوزه علمیه قم باشد. در حالی که در ماده ۴۶ آیین‌نامه مدارک و رشته‌های تحصیلی دیگری نیز اضافه شده که مغایر با بندۀای «ج» و «د» ماده ۸ است و همچنین به مدارک سطح ۲- اشاره شده که در ماده ۲ قانون کیفیت



با اسمه تعالیٰ

تصريح نشده و صرفاً مدارک و رشته‌های قابل قبول است که معادل لیسانس حقوق یا فقه و مبانی حقوق اسلامی است. لذا حذف ماده ۴۶ آیین نامه ضرورت دارد.

۴. ماده ۵۰ آیین نامه و مجازات انتظامی موضوع ماده ۱۲۸ آن، تکرار تبصره ۴ ماده ۶ قانون کیفیت است. لذا حذف دو ماده مذکور از آیین نامه ضروری است.

۵. ماده ۷۳ آیین نامه، تکرار ماده ۱۱ لایحه قانونی استقلال است. به علاوه مقامات مصحره در ماده ۱۱ لایحه قانونی استقلال در ماده ۷۳ آیین نامه افزایش یافته‌اند که به دلیل مغایرت با قانون، وجاهتی ندارد. لذا حذف ماده ۷۳ آیین نامه ضروری است.

۶. در ماده ۱۲۹ آیین نامه، ماده ۳۴ قانون وکالت تکرار شده؛ در ماده ۱۶۰ آیین نامه نیز، ماده ۵۶ قانون وکالت تکرار شده است. لذا حذف دو ماده ۱۲۹ و ۱۶۰ آیین نامه ضروری است.

بخش سوم. موضوع این بخش موادی از اصلاحیه کانون‌ها مدنظر است که تغییرات اعمال شده در تصویب، نه تنها مورد نظر کانون‌ها نبوده، بلکه بعضًا مغایر مواد قانونی است. از جمله:

۱. در بند ۲ ماده ۷۶ آیین نامه، وکیل مکلف شده به تسلیم نسخه‌ای از وکالت‌نامه به موکل در قبل اخذ رسید و در بند ۲ ماده ۱۲۲ آیین نامه، عدم ایفای این تکلیف، تخلفانگاری و برای آن مجازات تعیین شده است. در حالی که اولاً در اجرای قانون بودجه سال ۱۳۹۹ و از اواسط سال ۱۳۹۹، وکلا مکلف به تنظیم وکالت‌نامه و قراردادهای مالی الکترونیکی در سامانه قوه قضاییه شده‌اند و وکالت‌نامه قبل و بعد از تأیید توسط موکل برای امضای الکترونیکی، در صفحه شخصی موکل در سامانه عدل‌ایران قابل دسترسی است. بنابراین، با روند مذکور، موضوع تسلیم نسخه‌ای از وکالت‌نامه به موکل منتفی بوده و تکلیفی متصور نیست تا عدم انجام آن تخلف باشد. ثانیاً، بدون ارائه وکالت‌نامه و قرارداد مالی الکترونیکی، مرجع قضایی وکالت وکیل را نپذیرفته و اجازه دسترسی به پرونده را نمی‌دهد. ثالثاً، با سازوکاری که در ماده ۸۴ آیین نامه پیش‌بینی شده، اساساً تکالیف مورد اشاره موضوعیتی ندارد. لذا ضروری است موارد زیر حذف شود: اول- عبارت «و تسلیم نسخه‌ای از وکالت‌نامه و قرارداد مالی به موکل در قبل اخذ رسید...» تا انتهای بند ۲ ماده ۷۶ آیین نامه؛ دوم- مجازات مقرر در بند ۲ ماده ۱۲۲ آیین نامه نسبت به دو مورد مذکور.



با اسمه تعالیٰ

۲. در بند ۳ ماده ۷۶ آیین نامه، وکلا مکلف به استفاده از پایانه فروشگاهی شده اند و در بند ۵ ماده ۱۲۳ آیین نامه برای عدم استفاده از آن، مجازات درجه ۳ یا ۴ تعیین شده است. در حالی که اولاً، استفاده از پایانه فروشگاهی و ضمانت اجرای عدم استفاده، در قانون مالیات های مستقیم پیش بینی شده و خارج از حوزه وکالت بوده و موضوعی است مربوط به وکیل با سازمان امور مالیاتی. علاوه بر آن سازمان امور مالیاتی، متولی اعمال مجازات احتمالی است. لذا پیش بینی تکلیف مذکور و تخلف انگاری عدم اجرای آن در آیین نامه لایحه قانونی استقلال، جایگاهی ندارد. ثانیاً، به دلیل قلت تراکنش مالی وکلا، فروشنده دان یا اجاره دهنده دان استقلال پایانه مذکور، پس از مدت کوتاهی به دلیل فقدان صرفه اقتصادی اقدام به جمع آوری دستگاهها می کنند. به همین جهت کانون های وکلا مذاکراتی را با سازمان امور مالیاتی داشته اند تا امکان دیگری جایگزین شود. ثالثاً، با اجرای قانون بودجه سال ۱۳۹۹ در مردم الزام وکلا به ثبت قراردادهای وکالت و حق الوکاله در سامانه قوه قضائيه و ماده ۸۴ اين آیین نامه، برای نظارت بر قراردادهای مالی و ميزان حق الوکاله وکلا، نيازي به پایانه های فروشگاهی و امثال آن نیست. لذا حذف موارد زیر ضروری است: اول- عبارت «و استفاده از پایانه های فروشگاهی» از انتهای بند ۳ ماده ۷۶ آیین نامه. دوم- مجازات مقرر در بند ۵ ماده ۱۲۳ آیین نامه در مردم الزام عدم استفاده از پایانه های فروشگاهی.

۳. در مواد ۸۶، ۸۸ و ۸۹ آیین نامه مواد ۱۵، ۱۶ و ۱۸ لایحه قانونی استقلال تکرار شده و به علاوه در ماده ۸۶ «رئیس حوزه قضائی» به مقامات مذکور در ماده ۱۵ لایحه قانونی استقلال اضافه شده که مغایر با آن است.

در ماده ۸۹ نیز از جهت ارجاع رسیدگی به «زوال شرایط مقرر در ماده ۲ قانون کیفیت...»، تبصره ۵ ماده ۲ قانون مذکور رعایت نشده است. زیرا موضوع زوال شرایط باید به کانون اعلام و از سوی رئیس کانون (بنا به تشخیص) برای رسیدگی به دادگاه انتظامی ارجاع شود. این امر انحصاری است و سایر مقامات مجوزی برای ارجاع مستقیم موضوع به دادگاه انتظامی را ندارند. به علاوه مقامات مذکور در ماده ۱۸ لایحه قانونی استقلال صرفاً در موردی که «اشغال وکیل به کار وکالت مقتضی نباشد»، حق اعمال اختیار مقرر در ماده مذکور را دارند و توسعه آن به شرایط مقرر در ماده ۲ قانون کیفیت ... مغایر با قانون است.

باتوجه به تغییرات مغایر با مواد ۱۵، ۱۶ و ۱۸ لایحه قانونی استقلال و تبصره ۵ ماده ۲ قانون کیفیت ... ضروری است مواد ۸۶، ۸۸ و ۸۹ آیین نامه حذف شده و در صورت ضرورت ماده ۶۰ اصلاحی کانون ها عیناً جایگزین شود.



با اسمه تعالیٰ

۴. در ماده ۹۱ آیین نامه، ماده ۲۱ لایحه قانونی استقلال تکرار و در نقل ماده مذکور، تغییراتی اعمال شده که مغایر با قانون است. بدین توضیح که به موجب ماده ۲۱، ارجاع رسیدگی به دادستان کل محدود است به تخلفی که در حوزه وظایف هیأت مدیره، دادرسان دادگاه و دادستان انتظامی واقع شده باشد. به علاوه قانونگذار در تبصره ۵ ماده ۲ قانون کیفیت ... شرایط و نحوه رسیدگی به فقدان شرایط وکالت را تعیین کرده که متفاوت از ماده ۹۱ آیین نامه است. درنتیجه اضافه شدن موارد رسیدگی به شرایط زوال مواد ۲ و ۴ قانون کیفیت مغایر با ماده ۲۱ لایحه قانونی استقلال است و حذف ماده ۹۱ آیین نامه به دلیل مخالفت با قانون ضرورت دارد.

۵. در بند ۳ ماده ۱۱۲ آیین نامه پیش‌بینی شده مقامات مذکور در مواد ۸۸ و ۸۹ نسبت به کلیه آرای صادره از دادگاه انتظامی حق اعتراض دارند. مفاد این بند با ماده ۱۴، ۱۵، ۱۶ و ۱۸ لایحه قانونی استقلال مغایر است. زیرا: اولاً، فقط آرای برائت و رد تقاضای تعلیق وکیل، قابل اعتراض توسط مقامات قضایی است که در مواد ۱۴، ۱۵، ۱۶ و ۱۸ پیش‌بینی شده است، و «کلیه آراء» قابل اعتراض نیست. به عبارت دیگر آرای محکومیت به هر درجه‌ای که باشد، قابل اعتراض توسط مقامات مذکور نیست. ثانیاً در مواد ۸۸ و ۸۹ آیین نامه، مقامات مذکور در مواد ۱۵، ۱۶ و ۱۸ لایحه قانونی استقلال، افزایش یافته‌اند که توجیه قانونی ندارد و به همین جهت ضرورت حذف دو ماده ۸۸ و ۸۹ آیین نامه اعلام شده است. لذا در بند ۳ ماده ۱۱۲ آیین نامه، اصلاح موارد زیر ضروری است:

اول- حذف عبارت «مقامات مذکور در مواد ۸۸ و ۸۹ آیین نامه» و جایگزینی عبارت «مقامات مذکور در مواد ۱۵، ۱۶ و ۱۸ لایحه قانونی استقلال».

دوم- حذف عبارت «کلیه آراء» و جایگزینی عبارت «آرای برائت».

۶. در بند ۱ ماده ۱۲۳، عدم پرداخت مالیات قانونی تخلف اعلام شده است. با توجه به اینکه در قانون مالیات‌های مستقیم، در این مورد ضمانت اجرای خاص پیش‌بینی شده و تمدید اعتبار پرونده وکالت منوط به ارائه مفاصح‌حساب مالیاتی از سازمان امور مالیاتی است، تخلف‌انگاری آن در آیین نامه، مجازات مضاعف است و ضرورت دارد از بند ۱ ماده ۱۲۳ حذف شود.

۷. بندهای ۵ و ۶ ماده ۱۵۹ آیین نامه، اولاً مغایر با ماده ۱۷ لایحه قانونی استقلال است که صراحتاً تعلیق یا ممنوعیت وکیل از شغل وکالت را منحصرأ به موجب حکم قطعی دادگاه انتظامی ممکن دانسته است. ثانیاً، در ماده ۱۴۲ آیین نامه، راهکار رسیدگی به آثار تبعی آرای قطعی مراجع قضایی نسبت به ممنوعیت یا محرومیت وکیل از وکالت پیش‌بینی شده است. ثالثاً، بند ه ماده ۲۶ قانون مجازات اسلامی، در مقام منع محکوم‌علیه از



با سمه تعالی

دریافت پروانه وکالت دادگستری است و حکومتی نسبت به جلوگیری از ادامه اشتغال به وکالت ندارد. زیرا ممنوعیت یا محرومیت از اشتغال به وکالت، بهموجب قوانین و مقررات خاص پیش‌بینی شده و مستلزم صدور حکم قطعی از دادگاه انتظامی است. لذا حذف بندهای ۵ و ۶ ماده ۱۵۹ آیین‌نامه که مخالفت آشکار با ماده ۱۷ لایحه قانونی استقلال دارد، ضروری است.

بخش چهارم. موادی که از اصلاحیه کانون‌ها و آیین‌نامه ۱۳۳۴ حذف شده است از جمله:

۱. ماده ۳۲- برای جلوگیری از موازی کاری کانون‌ها و تکرار تقاضای پروانه وکالت و کارآموزی پیش‌بینی شده بود. با توجه به اینکه عمدتاً متلاطیان مشمول ماده ۸ لایحه قانونی استقلال که با تقاضای آن‌ها مخالفت می‌شود، درخواست خود را در کانون‌های دیگر مطرح می‌کنند، حذف این ماده در تصویب قابل تأمل است. بهویژه اینکه غالباً قضاتی که به دلایلی از قبیل فساد مالی و اخلاقی، سلب صلاحیت قضایی شده و یا به طرق دیگری از کار قضایی برکنار می‌شوند از فقدان چنین ماده‌ای سود می‌برند، درنتیجه حذف آن با برنامه‌های مبارزه با فساد در تضاد است.

۲. مواد ۳۳ و ۳۴- بعضاً مشاهده می‌شود قضاط در چند ماه یا سال آخر قضاوت، سعی دارند به حوزه قضایی دیگری منتقل شوند تا مشمول ممنوعیت موضوع تبصره ۴ ماده ۶ قانون کیفیت ... نباشند. در اظهارنظر مقامات قضایی نیز به اثرات نامطلوب وکالت قضاط سابق در حوزه‌های قضایی که در آن‌ها اشتغال به قضاوت داشته‌اند، اشاره شده است. در ملاقات رؤسای تعدادی از کانون‌ها با رئیس محترم قوه قضائیه در سال ۱۳۹۹ پس از بیان دلیل و مبنای قانونی وضع مواد ۳۳ و ۳۴، موضوع مورد استقبال و تأکید ایشان قرار گرفت. اما متأسفانه ملاحظه می‌شود که دو ماده مورد نظر در تصویب حذف شده است. به نظر می‌رسد اشخاصی که اصلاحیه کانون‌ها را بررسی و برای تصویب ارایه داده‌اند به آینده شغلی خود در حوزه وکالت بیشتر توجه داشته‌اند تا به آینده نهاد وکالت و حقوق دفاعی مردم.

۳. ماده ۳۵- در این ماده وضعیت مشابهی برای نمایندگان سابق مجلس که در اجرای بند ج ماده ۸ لایحه قانونی استقلال پروانه دریافت می‌کنند، با هدف جلوگیری از اعمال نفوذ و تمهید زمینه عدالت و تعادل در دادرسی، پیش‌بینی شده بود.

۴. مواد ۳۶ و ۳۷- در تدوین این دو ماده از ماده ۳۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، مشروح مذاکرات مجلس به هنگام اصلاح بند «د» ماده ۸ لایحه قانونی استقلال و نظریه اداره حقوقی



با اسمه تعالیٰ

قوه قضاییه به شماره ۱۳۸۰/۰۴/۲۰ - ۷/۳۲۱۵ استفاده شده بود تا به ایضاح بیشتر موضوع کمک کرده و با تبیین و تعریف «سمت کارشناسی حقوقی» از صدور آرای متهافت در دادگاه عالی انتظامی قضاط (حتی در یک شعبه و در موضوعات مشابه) جلوگیری کرده و از کثرت طرح پرونده در شب دادگاه مذکور نیز کاسته شود. همچنین با توجه به فلسفه تصویب قانون منع اشتغال بازنشستگان و افزایش روزافزون کارشناسان حقوقی بازنشسته دولت، نهادها و نیروهای مسلح و ضرورت ایجاد اشتغال برای جوانان از طریق پذیرش بیشتر فارغ‌التحصیلان حقوق، تعیین ظرفیت پذیرش متلاطیان ماده ۸ لایحه قانونی استقلال ضروری و موجه بوده است.

۵. ماده ۷۵ و تبصره ۲ ماده ۷۸- با بهره‌گیری از نوآوری‌های قانون آین دادرسی کیفری و سند تحول قضایی، مواردی از قبیل صدور قرار تعلیق تعقیب و قرار تعویق صدور حکم با انگیزه جایگزینی تنبه و توجه با مجازات و تنبیه، پیش‌بینی شده بود که به دلیل نامعلومی در تصویب حذف شده است.

۶. ماده ۱۰۹- آین ماده به منظور ساماندهی مؤسسات حقوقی تدوین شده بود. با توجه به رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری دایر بر اینکه برای ثبت مؤسسات حقوقی، داشتن پروانه وکالت الزامی است و در سال ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۸ مؤسسات حقوقی بسیاری بدون رعایت این شرط تأسیس شده بود و به علاوه مقامات قضایی بارها به ناسالم‌بودن فعالیت برخی از مؤسسات مذکور اظهار نظر کرده و آن را عامل فساد در درون قوه قضاییه دانسته‌اند، تدوین و تصویب ماده ۱۰۹ بسیار ضروری و مفید بود. لیکن به دلیل نامعلومی در تصویب حذف شد.

۷. ماده ۱۱۰. وکالت تخصصی و تخصصی‌شدن وکالت، از وظایفی است که کانون‌های وکلا در اجرای بند «ه» ماده ۶ لایحه قانونی استقلال به عهده دارند. در ماده ۲۲ آین نامه تعریفه حق الوکالة وکلای دادگستری که در اسفند ۹۸ به تصویب رئیس قوه قضاییه رسید، گواهی وکالت تخصصی پیش‌بینی شده و در ماده ۱۱۰ نیز درمورد گواهی و نحوه صدور آن تعیین تکلیف شده بود. این ماده نیز به دلیل نامعلومی در تصویب حذف شده است.

۸. بند ۷ ماده ۱۱۲ بخش مهمی از خدمات اداری کانون وکلا، متشکل از چند واحد، متصدی ثبت‌نام، پذیرش، تشکیل پرونده، صدور استعلام در اجرای لایحه قانونی استقلال و قانون کیفیت ...، تکمیل پرونده، بررسی و تحقیق و صدور پروانه برای متلاطیان است. بدیهی است بخشی از هزینه‌های واحدهای مذکور اعماء هزینه کارکنان، ملزمات و تجهیزات مورد نیاز، از محل دریافت هزینه مربوط باید تأمین شود. با توجه به اینکه اولاً- کانون وکلا در این گونه موارد وظیفه‌ای برای ارائه خدمات به صورت رایگان ندارد. ثانیاً- به جز درآمدهای حاصله از حق



با اسمه تعالیٰ

عضویت سالانه اعضا و خدماتی که ارائه می‌دهد، منبع درآمد دیگری ندارد. ثالثاً. از بودجه عمومی استفاده نمی‌کند و حتی حقوق قانونی کانون‌ها در قبال وکالت‌های تسخیری و معاضدتی پرداخت نمی‌شود؛ در چنین شرایطی حذف تأمین مالی از محل موارد مذکور، صرفاً یک دلیل می‌تواند داشته باشد و آن هم ایجاد تنگنای بیشتر مالی برای نهاد مستقل وکالت و کانون‌های وکلاست.

۹. حذف ماده ۲۲ آیین‌نامه سال ۱۳۳۴ - که فاقد هرگونه توجیه منطقی است. در شرایطی که به موجب ماده واحد انتخاب وکیل مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام وکیل دادگستری هم‌شأن قضی تلقی شده است، چه توجیهی وجود داشته است که علی‌رغم تأکید کانون‌ها برای ابقاء ماده مذکور با حذف آن شأن رؤسای کانون‌های وکلای دادگستری در نظر گرفته نشود.

۱۰. حذف ماده ۷۲ آیین‌نامه سال ۱۳۳۴ - در این ماده نحوه دسترسی، کسب اطلاع و دریافت گزارش نسبت به پرونده‌هایی که در رسیدگی انتظامی و سایر موارد مثل صدور پروانه مؤثر است، پیش‌بینی شده بود. حذف این ماده موجب می‌شود تحقیقات، بررسی، رسیدگی، اتخاذ تصمیم و صدور رأی در پرونده‌های انتظامی و سایر موارد به بن‌بست کشانده شود. دلیل حذف ماده نامعلوم است.

یادآوری این نکته ضروری است که هیأت عمومی دیوان عدالت اداری فقط قسمت اخیر ماده، موضوع تعقیب انتظامی متخلف از تکلیف مقرر را ملغاً کرده و بقیه ماده معتبر و لازم‌الاجرا بود.

۱۱. در ماده ۱۶۹ آیین‌نامه، کلیه مواد آیین‌نامه مصوب سال ۱۳۳۴ نسخ شده است. در حالی که طبق مطالب بند «الف» و با توجه به عدم امکان قانونی تصویب آیین‌نامه جدید، نسخ آیین‌نامه سال ۱۳۳۴ با ماده ۲۲ لایحه قانونی استقلال مغایر است.

مواردی که در چهار بخش فوق بیان شد، موارد و نمونه‌هایی از مغایرت آیین‌نامه با قوانین لازم‌الجراست. امید است با رفع مغایرت‌های موجود، زمینه اجرای آن فراهم شود.